

## مقدمه

مدرسه، تنها محل یادگیری خواندن، نوشتن و حساب کردن نیست، بلکه جایی است که کودکان و نوجوانان مهارت‌های زیادی، از جمله مهارت‌های اجتماعی لازم برای ورود به جامعه فردا را می‌آموزند. مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌هایی اندک‌که آنان را برای تعامل با سایر افراد اجتماعشان آماده می‌کنند. بچه‌ها شاید در مدرسه، درس خاصی برای یادگیری این گونه مهارت‌ها از آموزگاران و مربیان‌شان نگیرند، ولی می‌توانند از چگونگی رفتار آن‌ها با خودشان و سایر دانش‌آموزان دریابند که در شرایط گوناگون چگونه باید رفتار کنند. بدیهی است کودکی می‌تواند در این درس و آزمون موفق شود که بتواند در موقعیت‌های گوناگون، رفتاری صحیح و مناسب از خود نشان دهد. این گروه از کودکان

# کودکان، مدرسه و مهارت‌های اجتماعی

ماندانا سلحشور

کارشناس روان‌شناسی بالینی - تهران



قادرند از مدرسه و فعالیت‌های لذت‌برند و تمام آموزش‌های آن را با رویی باز بپذیرند. در مقابل، اگر کودکی نتواند نمره‌ای قابل قبول از این درس بگیرد، قادر نخواهد بود رفتاری درست و متناسب با شرایط از خود نشان دهد و پیامد آن نیز عملکردهای تحصیلی - اجتماعی او خواهد بود. گاهی شکست کودک در روابط اجتماعی‌اش، بسیار سنگین‌تر و دردناک‌تر از شکست او در تحصیل و آموزش است.

برای گروهی از کودکان، کسب مهارت‌های اجتماعی در مدرسه سخت‌ترین کار محسوب می‌شود. کسب این گونه مهارت‌ها نقشی بسیار مهم در سلامت روانی و احساس ارزشمندی کودک بازی می‌کند. در حقیقت، مدرسه بدون روابط دوستانه بچه‌ها می‌تواند محیطی کسل‌کننده و ملال‌آور باشد، محیطی که کودک از بودن در آن احساس انزجار، تنفر و اندوه می‌کند.

کودکان از هنگام تولد دارای توانایی‌های بالقوه‌ای در زمینه حرکت، کلام، جلب توجه و خصلت‌های گروهی‌اند. ضعف در هر یک از این توانایی‌ها می‌تواند تأثیری منفی بر روابط اجتماعی آنان بگذارد. برای مثال، کودکانی که دچار ضعف توجه‌اند، ممکن است در زمینه شنیدن و توجه به صحبت‌های دیگران مشکل داشته باشند و نتوانند درباره شرایط و موقعیت‌های مختلف درست حرف بزنند؛ یا کودکانی که نمی‌توانند مکالمه را درست پی‌گیری کنند، ممکن است دچار نقص در حافظه باشند (زیرا نمی‌توانند مطالب مطرح شده را درست به خاطر آورند) و نیز کودکانی که در برقراری روابط اجتماعی مشکل دارند، ممکن است دچار نارسایی‌های کلامی - ارتباطی باشند.

### موقعیت اجتماعی کودکان در مدرسه

توانایی کودکان و نوجوانان در زمینه دوست‌یابی و برقراری روابط گروهی در مدرسه بسیار متفاوت است؛ زیرا آنان در هر دوره تحصیلی، موقعیت اجتماعی خاصی در کلاس و مدرسه دارند. گروهی از بچه‌ها دارای صفات پسندیده اجتماعی‌اند و رفتارهایشان به طور کلی مورد تأیید دوستان، آشنایان و اطرافیان‌شان است. گروهی دیگر، مهارت خاصی در دوست‌یابی ندارند و می‌توانند در موقعیت‌های جدید زود خود را با افراد دیگر سازگار و هماهنگ کنند. این کودکان، اجتماعی، برون‌گرا و خیلی صمیمی‌اند و همیشه از بودن در جمع لذت می‌برند. گروهی دیگر، محبوب و پرطرفدارند، چون عضو تیم ورزشی مدرسه، عضو انجمن مدرسه، نماینده کلاس و... می‌باشند. این گروه نیز

اغلب اعتماد به نفس بالایی دارند و می‌توانند نقش رهبری گروه را به عهده بگیرند.

برخی از کودکان و نوجوانان هم تمایلی به مشهور شدن در گروه ندارند، ولی از این که عضو گروه و دسته‌ای باشند، احساس ارزشمندی و تعلق خاطر می‌کنند. این گروه، همین که در جمع دوستان و همسالانشان به سر می‌برند، احساس خشنودی و رضایت می‌کنند، فقط ممکن است گاهی نگران نظر دوستانشان درباره خود باشند.

گروهی از بچه‌ها نیز، خجالتی، کم‌رو و ساکت‌اند. آن‌ها ممکن است یکی، دو دوست صمیمی و نزدیک خود را بر جمع زیادی از هم‌کلاسی‌هایشان ترجیح دهند. هنگامی که سایر کودکان به این گروه از بچه‌ها ابراز علاقه می‌کنند و می‌خواهند با آن‌ها دوست شوند، هیچ گونه تمایلی از خود نشان نمی‌دهند و خودشان را درگیر هیچ گونه فعالیت گروهی (درسی - کلاسی) نمی‌کنند. کودکان خجالتی از بودن در اجتماع‌های بزرگ

کودکی که در مدرسه به دلیل ضعف در مهارت‌های اجتماعی، نتواند با همسالان خود ارتباط برقرار کند، ممکن است دچار مشکلاتی در زمینه یادگیری و پیشرفت تحصیلی شود. این کودکان اغلب احساس تنهایی و انزوا می‌کنند و ممکن است به دلیل عدم توانایی در برقراری روابط اجتماعی، دچار مشکلاتی در زمینه اعتماد به نفس و عزت‌نفس شوند. این کودکان ممکن است به دلیل عدم توانایی در برقراری روابط اجتماعی، دچار مشکلاتی در زمینه یادگیری و پیشرفت تحصیلی شوند. این کودکان اغلب احساس تنهایی و انزوا می‌کنند و ممکن است به دلیل عدم توانایی در برقراری روابط اجتماعی، دچار مشکلاتی در زمینه اعتماد به نفس و عزت‌نفس شوند.

احساس ناراحتی، اضطراب و دلهره می‌کنند و نمی‌دانند که در این گونه شرایط چه کار باید بکنند. این کودکان معمولاً از این که تنها بمانند ناراحت نمی‌شوند، ولی آرزو می‌کنند که کاش می‌توانستند مثل دوستانشان از بودن در جمع لذت ببرند و خود را درگیر فعالیت‌های گروهی کنند.

برخی از بچه‌ها نیز، توسط جمع همسالانشان نادیده گرفته می‌شوند و اساساً مورد توجه قرار نمی‌گیرند. هیچ یک از کودکان دیگر واقعاً نه آن‌ها را دوست دارند و نه از آن‌ها متنفرند. این گونه بچه‌ها در عین آن که هیچ رفتار تهاجمی و تندی از خود نشان

نمی‌دهند، ولی برای هیچ نوع فعالیتی در کلاس انتخاب نمی‌شوند. گروهی از این بچه‌ها دوست ندارند که توسط سایرین نادیده گرفته شوند، ولی برخی دیگر اهمیتی به این موضوع نمی‌دهند چون فعالیت‌های یک نفره را دوست دارند یا ترجیح می‌دهند با بزرگ‌ترها یا کودکان بزرگ‌تر از خودشان در ارتباط باشند.

به طور معمول، کودکان و نوجوانانی که بیش‌ترین مشکلات ارتباطی را دارند، آن‌هایی‌اند که توسط دوستان و هم‌کلاسی‌هایشان طرد می‌شوند. بچه‌های دیگر اساساً آن‌ها را دوست ندارند و نمی‌خواهند با آن‌ها شریک و همراه شوند. کودکان و نوجوانان طرد



شده آن‌هایی اند که مدام دیگران را اذیت می‌کنند، به ستوه می‌آورند، مسخره می‌کنند و رفتارهای پرخاشگرانه از خود نشان می‌دهند. در اغلب موارد، کودکان به چندین دلیل تنها می‌مانند یا توسط دوستانشان طرد می‌شوند (کوهن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰):

۱- بد رفتاری: گاهی این کودکان رفتاری تند و خشونت‌آمیز از خود نشان می‌دهند تا حدی که موجب آزدگی سایرین می‌شوند. آن‌ها دعوا می‌کنند، بعد از کلاس و مدرسه در دسر درست می‌کنند، قلدری می‌کنند و... کودکان خشن و پرخاشگر درک نمی‌کنند که بد رفتاری‌های آن‌ها شدیداً بر روابط گروهی‌شان تأثیر می‌گذارد و موجب قطع ارتباط آن‌ها با جمع می‌شود.

۲- انزوایی: برخی از کودکان و نوجوانان به دلیل منفعل بودن یا به علت اضطراب شدیدی که از بودن در جمع حس می‌کنند، از جمع دوستانشان دور می‌شوند. این گروه بیش‌تر وقت خود را تنها سپری می‌کنند.

۳- متفاوت بودن: برخی از کودکان خودشان را متفاوت از دیگران می‌دانند (خوب می‌پوشند، زیاد درس می‌خوانند، فخر می‌فروشند، یا حتی چاق، لاغر یا دچار معلولیت جسمی‌اند) و به همین دلیل از جمع کودکان دیگر دور می‌مانند. متأسفانه، این کودکان همیشه هدف رفتارهای خشونت‌آمیز قلدرها قرار می‌گیرند و اغلب بچه‌های کلاس نیز با رفتاری که با آن‌ها می‌شود، همراهی می‌کنند.

اغلب بچه‌هایی که توسط دوستانشان مورد بی‌مهری و بی‌تفاوتی قرار می‌گیرند، ناراحت، دلخور و غمگین‌اند. آن‌ها شدیداً احساس تنهایی می‌کنند و بر این باورند که هیچ‌کس برای آن‌ها ارزش و احترامی قائل نیست. از طرف دیگر دوست دارند که توجه سایرین را به سوی خودشان جلب کنند، و به همین دلیل سعی می‌کنند برای جلب توجه دیگران دست به هر کاری - حتی کارهای ناشایست و ناخوشایند - بزنند؛ زیرا معتقدند که مورد توجه قرار گرفتن - به هر علتی - بهتر از نادیده گرفته شدن است. بعضی از افراد این گروه حتی ممکن است دست به کارهای خلاف، مصرف مواد مخدر و رفتارهای بزهکارانه نیز بزنند. در حقیقت این گروه تحمل طرد شدن، نادیدن گرفته شدن و محرومیت توسط جمع را به هیچ‌عنوان ندارند.

### مهارت‌های ارتباط برقرار کردن

لازمه داشتن روابط اجتماعی، دانستن مهارت‌های ارتباط برقرار کردن با سایرین است. این مهارت‌ها به دو دسته کلامی و

غیرکلامی تقسیم می‌شوند (لویس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸). کودکان و نوجوانان با دانستن این مهارت‌ها می‌توانند با اعضای کلاس یا گروه‌هایشان ارتباط برقرار کنند. برای مثال، کودکانی که دچار مشکلات تکلمی‌اند، اغلب نمی‌توانند آن‌طور که باید و شاید با دیگران ارتباط برقرار کنند؛ زیرا بسیاری از کلمات و اصطلاحاتی را که بچه‌ها در گفت‌وگوهای خود به کار می‌برند، یا نمی‌فهمند یا نمی‌توانند به جا به کار گیرند. برای نمونه، ممکن است معنی لطیفه یا طنزی را که از بچه‌ها شنیده‌اند، درست نفهمند و هنگام بیان مجدد آن نیز اشتباه کنند. برخی کودکان نیز ممکن است به رغم داشتن مهارت‌های کلامی، باز هم در زمینه برقرار کردن روابط گروهی دچار مشکل شوند؛ زیرا مهارت‌های غیرکلامی ارتباط برقرار کردن را نمی‌دانند. آن‌ها نمی‌توانند «زبان بدن»<sup>۳</sup> و حالت‌های چهره و لحن صدای دوستانشان را درک کنند. بسیاری از رفتارهای کودکان با گوشه و کنایه‌های ساده‌ای همراه است که مفاهیم پیچیده‌ای دارند. یک کودک یا نوجوان برای برقراری ارتباط باید بتواند پیام‌های غیرکلامی دوستانش را از ظاهر، حرکات و رفتار آن‌ها بخواند.

کودکانی که دچار مشکلات ارتباط کلامی و غیرکلامی‌اند، اغلب بدخلق، عصبی، اندوهگین و ناکام می‌شوند. آن‌ها ممکن است چهره‌های عبوس و گرفته داشته باشند؛ در حالی که اگر کمی از مهارت‌های ارتباط برقرار کردن را فرا بگیرند، به راحتی می‌توانند روابط خود را با سایر همسالانشان بهبود بخشند و مورد پذیرش آن‌ها قرار گیرند.

### مهارت‌های اجتماعی

ناتوانی در برقراری روابط اجتماعی می‌تواند تأثیر منفی بر پیشرفت فرد در زندگی‌اش بگذارد. بنابراین، لازم است که کاستی‌های مهارت‌های اجتماعی کودکان خیلی زود تشخیص داده شوند تا تأثیر آن‌ها بر زندگی اجتماعی ایشان هر چه کمتر شود. کودکان برای آن‌که بتوانند خودشان را با اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، هر چه بیش‌تر سازگار کنند، باید مهارت‌های اجتماعی گوناگون را بیاموزند. این مهارت‌ها در برگیرنده طیف وسیعی از توانایی‌های گروهی، از آغاز کردن یک مکالمه ساده، حفظ و پایان دادن به آن تا تشخیص علائم و نشانه‌های ارتباط اجتماعی و حتی پیچیده‌ترین آن‌ها مثل: فرایند حل مشکل و تعارض می‌باشد. کودکانی که در این مهارت‌ها ضعف دارند، می‌توانند با کمک والدین، آموزگاران و مشاوران مدرسه و با



حرفی بزنند، احتمالاً تماس چشمی با او برقرار نمی‌کنند و سرشان را به زیر می‌اندازند. در مواردی، اگر سلام هم بگویند، ممکن است تن صدایشان چندان دوستانه و صمیمی نباشد. بخش غیرکلامی سلام کردن هم به اندازه بخش کلامی آن اهمیت دارد. هنگام سلام کردن مهم نیست که کودک از چه عبارت و جمله‌ای استفاده می‌کند، یا با چه لحن و حالتی جمله‌اش را بیان می‌کند، مهم آن است که سعی کند طوری به دوستش سلام کند که او از دیدنش احساس شادی و خوشحالی کند.

۲- پیش قدم شدن در گفت و گو: بعد از سلام و احوال‌پرسی، معمولاً گفت و گو شروع می‌شود. برای ورود به بحث، کودک باید بتواند مکالمه‌ای را آغاز کند، حفظ کند و به پایان ببرد. این مهارت مستلزم خوب گوش دادن و توجه کردن

استفاده از روش‌های مدل‌سازی، نقش‌بازی کردن و تمرین، این گونه مهارت‌ها را فرا بگیرند. این مهارت‌ها عبارت‌اند از (کویی، دوج و کاپاتلی<sup>۴</sup>، ۱۹۸۲):

۱- سلام کردن: کودکان از طریق تعامل با همسالان‌شان با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. اولین گام در برقراری ارتباط، سلام کردن به دیگری است. ما نه تنها با استفاده از واژگان، مثل: «سلام»، «حالت چطوره»، بلکه با تغییر حالات چهره، تن صدأ، حالت و شکل نشستن و ایستادن نیز با افراد دیگر ارتباط برقرار می‌کنیم.

کودکانی که مشکل ارتباطی دارند، ممکن است به افراد آشنای خود هم سلام نکنند. آن‌ها ممکن است درست کنار دوستشان راه بروند، ولی حتی یک نگاه هم به او نکنند، یا اگر

است. برای مثال، او باید اصل «رعایت نوبت» را بداند. گاهی کودکان موضوعی را برای صحبت کردن با یکدیگر ندارند. در این گونه موارد می‌توانند پرسشی را مطرح کنند (مثل: «کارتون خرس‌ها را دیده‌ای؟» یا «می‌دانی چه اتفاقی افتاده است؟...»). موضوع مورد بحث باید برای هر دو طرف جالب و جذاب باشد تا هر دو را به نوعی درگیر صحبت کند. مکالمه یک طرفه موجب خستگی و کسالت دو طرف می‌شود و ممکن است موجب قطع همین ارتباط ساده هم بشود. حتی ممکن است تأثیری منفی در ذهن آن دو بگذارد و در آینده هم تمایلی برای صحبت کردن با هم نداشته باشند. پس گوش کردن، مثل صحبت کردن، مهم است. اگر کودک علاقه‌ای به آن چه دوستش می‌گوید از خود نشان ندهد، ممکن است از صحبت کردن با او منصرف شود. کودکان کم توجه و پرتحرک، اغلب زمان صحبت کردن و گوش کردن را درست تشخیص نمی‌دهند.

۳- درک احساس شنونده: زمانی که یک گفت و گو آغاز می‌شود، برای حفظ و ادامه آن لازم است که گوینده به حالت‌های عاطفی شنونده‌اش توجه داشته باشد. کودکانی که مشکل ارتباطی دارند، اغلب در درک احساس شنونده نیز ناتوان‌اند. در حالی که کودک اجتماعی، سریع و راحت می‌تواند حالت‌های احساسی شنونده‌اش را بشناسد و طبقه‌بندی کند. آن گاه سخنانش را ارزیابی کند و براساس پاسخ‌هایی که از شنونده دریافت می‌دارد، کلماتش را انتخاب کند و گفت و گو را ادامه دهد. برعکس، کودکان غیراجتماعی قادر نیستند که شیوه بیان (لحن) و کلماتشان را متناسب با موقعیت شنونده تغییر دهند. برای مثال: زمانی که کودکی، دوستش را به دلیل نمره کم دیکته‌اش مسخره می‌کند، باید بتواند با مشاهده حالات چهره او بفهمد که دوستش از حرف‌های او ناراحت شده است و رفتار خود را تغییر دهد. عدم درک صحیح حالت‌های شنونده موجب رنجش و طرد کودک یا نوجوان توسط شنونده می‌شود.

نکته دیگری که کودک برای رعایت آداب معاشرت باید به آن توجه کند، این است که بتواند خود را جای شنونده قرار دهد و آن گونه فکر کند که او فکر می‌کند. برای این کار کودک باید وانمود کند که شنونده است و به گفته‌های خودش خوب توجه کند. در مواردی، کودکان غیراجتماعی کلمات و جملاتی ضمن گفته‌هایشان به کار می‌برند که فقط برای خودشان قابل فهم است و شنونده یا هیچ برداشتی از آن کلمات در ذهنش ندارد یا این که دچار سوء تفاهم می‌شود و کلمات او را توهینی به خود تلقی می‌کند. زمانی که شنونده خودش مجبور باشد منظور گوینده را حدس بزند، از فرایند گفت و گو لذت نمی‌برد و ترجیح می‌دهد هر چه زودتر از بحث خارج شود.

۴- همدلی کردن: همدلی کردن شبیه درک گفته‌های دیگران است، با این تفاوت که شنونده باید سعی کند احساسات سایر افراد را نیز درک کند. همدلی کردن این امکان را به فرد می‌دهد که بتواند ارتباطی واقعی با دوستانش برقرار کند. برای مثال: اگر دانش‌آموزی در درس ریاضی نمره ۲۰ گرفته است، ولی دوستش ۱۱ شده است، بتواند شادی خود را کنترل کند و با دوستش به ابراز همدردی بپردازد. او می‌تواند با گفتن چنین جمله‌ای: «اشکال ندارد، سعی کن در امتحان بعدی بیش‌تر درس بخوانی تا نمره بهتری بگیری»، او را دلداری دهد.

۵- یافتن نقاط مشترک: برای حفظ یک مکالمه دوستانه، توجه به نقاط مشترک هر دو طرف اهمیتی خاص دارد. برای مثال: هر دو از یک ویژگی آموزگارشان خوششان بیاید، یا هر دو به ورزش فوتبال علاقه مند باشند.

۶- پیش بینی کردن: برای حفظ گفت وگو، کودک باید از قبل بتواند تأثیر گفته‌های خود را بر شنونده پیش‌بینی کند و افکار شنونده را در نظر داشته باشد. برای مثال: اگر احساس می‌کند که جمله‌اش می‌تواند موجب ناراحتی، آزردهی، خشم یا اندوه شنونده شود، ممکن است شیوه بیان، کلمات یا جملات خود را تغییر دهد. کودکان غیراجتماعی معمولاً توجهی به این نکته ندارند و قادر نیستند کلام خود را تغییر دهند و به آن چه قصد دارند بگویند، کمی فکر کنند و آن‌گاه به زبان آورند. برای مثال: وقتی که جمع کودکان و نوجوانان در حال صحبت درباره تیم ورزشی مورد علاقه‌شان‌اند و از این گفت و گوی خود لذت می‌برند، بدیهی است اگر یک نفر به آن‌ها بگوید: «هفته دیگر امتحان ریاضی داریم، آیا شما هیچ تمرین کرده‌اید؟»، خوششان نخواهد آمد و او را طرد خواهند کرد. زمانی که فرد کلام دیگران را قطع می‌کند (وسط حرف دیگران می‌پرد) و بدون در نظر گرفتن شرایط فعلی جمع، سخنی می‌گوید، مورد بی‌مهری سایرین قرار خواهد گرفت.

۷- شیوه حل مسئله: بخش دیگری از مهارت‌های اجتماعی افراد مربوط به تشخیص درست اختلاف‌ها و مسائل بین افراد است. گاهی ممکن است فردی با گفته‌های شما موافق نباشد و از شنیدن سخنانتان خشمگین شود و شروع به پرخاشگری و تندی با شما کند. در این گونه موارد چگونگی پاسخ دهی شما به حالات عاطفی شنونده، تأثیر زیادی بر روند گفت‌وگو دارد. کودکان و نوجوانانی که توانایی درک اختلاف را ضمن گفت وگو ندارند، معمولاً دچار ضعف ارتباطی‌اند. آن‌ها خیلی زود عصبانی می‌شوند و ممکن است از صحبت کردن با شنونده تا مدت‌ها صرف‌نظر کنند. این گونه کودکان می‌خواهند همیشه برنده باشند و اصلاً برایشان مهم نیست که چه بهایی برای این برنده شدن باید بپردازند (از دست دادن دوست). این گروه مدام در اجتماع لطمه می‌خورند و برای خودشان دشمن می‌تراشند. اختلاف داشتن با دیگران اجتناب‌ناپذیر است و اغلب، رفع آن به شفاف‌سازی در گفت و گو نیاز دارد. برای یک مکالمه و گفت

و گوی دو طرفه و حفظ روابط دوستی نیاز به برنده شدن یک طرف نیست، بلکه باید هر دو طرف از مکالمه برنده بیرون بیایند.

۸- عذرخواهی کردن: هر فردی ممکن است گاهی دچار سوء تفاهم و اشتباه در روابط اجتماعی‌اش با دیگران شود. فردی که از مهارت‌های اجتماعی بالایی برخوردار است، با اعتماد به نفس کافی پا پیش می‌گذارد و بابت اشتباهش عذرخواهی می‌کند. با این شیوه پسنندیده او سریع و آسان می‌تواند رفتارش را تصحیح کند. کودکانی که در مهارت‌های اجتماعی ضعیف‌اند، هنگام بیان عذرخواهی دچار دردمس می‌شوند و دست و پای خود را گم می‌کنند. آن‌ها می‌ترسند که دیگران آن‌ها را احمق بدانند. در حالی که مردم معمولاً برای کسی که بابت اشتباهش عذرخواهی می‌کند، احترام و ارزش بیشتری قائل‌اند.

### آموزش مهارت‌های اجتماعی

کودکانی که دچار مشکل کلامی و غیرکلامی در ارتباط‌اند، اغلب دچار مشکلات اجتماعی در مدرسه می‌شوند. این کودکان نهایت تلاش خود را در درس خواندن و داشتن روابط اجتماعی می‌کنند، ولی نمی‌توانند جایگاه واقعی خود را در بین همسالانشان به دست آورند. فقدان مهارت‌های اجتماعی لازم و ناتوانی در برقراری روابط دوستانه با دیگران می‌تواند موجب شکست روحی، درماندگی و افت تحصیلی آن‌ها شود.

کمک‌های والدین: پدر و مادر معمولاً نقشی مهم در آموزش مهارت‌های گوناگون - از جمله مهارت‌های اجتماعی - به فرزندانشان ایفا می‌کنند. بسیاری از کودکان، خودشان مهارت‌های اجتماعی لازم را کسب می‌کنند و نیاز به کمک خاصی ندارند. برای این گروه از کودکان روش‌ها و شیوه‌های گوناگون و ساده‌ای برای تمرین مهارت‌های اجتماعی تهیه و تدوین شده است که پدر و مادر می‌توانند به راحتی از آن‌ها برای آموزش فرزندانشان استفاده کنند. روش‌هایی مثل: الگو شدن برای فرزند، نقش بازی کردن با فرزند، فراهم آوردن فرصت‌هایی برای دوست یابی و... گروهی دیگر از کودکان که در برقراری روابط اجتماعی با همسن و سالانشان دچار ضعف و کمبودند، نیاز به کمک‌های مشاوره‌ای و آموزش‌های منظم و دوره‌ای دارند تا بتوانند این مهارت‌ها را به خوبی بیاموزند و به کار گیرند.



آن‌ها می‌توانند با آموزش‌ها و تعالیم اخلاقی – رفتاری خود راه‌های رسیدن به اهداف انسانی را به کودکان و نوجوانان بیاموزند.

#### پی‌نوشت‌ها:

- 1- COHEN
- 2- LEVINE, M.D.
- 3- BODY LANGUAGE
- 4- COIE, DODGE, AND COPPOTELLI

#### فهرست منابع:

- COHEN, C.(2000). RAISE YOUR CHILD'S SOCIAL IQ: STEPPING STONES TO PEOPLESKILLS FOR KIDS. SILVER SPRINGS, MD: ADVANTAGE BOOKS.
- COIE, J.,D., DODGE, K.A., AND COPPOTELLI, H. (1982). DIMENSIONS AND TYPES OF SOCIAL STATUS: A CROSS - AGE PERSPECTIVE. DEVELOPMENTAL PSYCHOLOGY.
- LEVINE, M. D. (1998). DEVELOPMENTAL VARIATION AND LEARNING DISORDERS: SECOND EDITION. CAMBRIDGE, MA: EDUCATOR'S PUBLISHING SERVICE, INC.

« کمک‌های آموزگاران و مربیان مدرسه: مدرسه مکانی است که بچه‌ها بیشترین وقت خود را با هم‌کلاسی‌هایشان در آن جا سپری می‌کنند. بنابراین مناسب‌ترین و بهترین مکان برای یادگیری و تمرین مهارت‌های اجتماعی، مدرسه است. از آن جا که درس ویژه‌ای تحت عنوان «آموزش مهارت‌های اجتماعی» در مدرسه داده نمی‌شود، آموزگاران می‌توانند از فرصت‌هایی که در طول روز به دست می‌آورند استفاده کنند و این مهارت‌ها را به بچه‌ها آموزش دهند. آن‌ها باید نسبت به رفتارهای خشن و آزار دهنده بچه‌ها، حساس و هوشیار باشند و آن‌هایی را که از جمع دوستانشان نادیده گرفته شده یا طرد می‌شوند، شناسایی کنند و درصدد کمک به آنان و راهنمایی‌های مشاوره‌ای بایند. هم‌چنین، آموزگاران می‌توانند با کمک والدین این کودکان، به رفع تحقیر، گوشه‌نشینی و ناتوانی آن‌ها بپردازند و کمک کنند تا مهارت‌های ارتباط برقرار کردن را خوب فرا بگیرند. بهترین راه برای این کار، ایجاد روحیه همکاری و انجام کارها و فعالیت‌های گروهی – مشارکتی به جای تشویق رقابت‌های فردی در بین دانش‌آموزان است. آموزگاران نقش ارزشمندی در ارتقای مهارت‌ها و توانمندی‌های اجتماعی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند.